



نقد و بررسی ترانه‌های وصف طبیعت و وصف ایام و اوقات در استان کهگیلویه و بویراحمد

سید برزو جمالیان زاده^۱، ابراهیم فرهمند^۲

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، گرایش غنایی، دانشگاه شیراز، مدرس دانشگاه فرهنگیان: jamaliyanzade@gmail.com

۲. دبیر زبان و ادبیات فارسی آموزش و پرورش بویراحمد: sahar.farahmandi@gmail.com

چکیده

استان کهگیلویه و بویراحمد یکی از خاستگاه‌های بکر و پر بار اشعار فولکلوریک و ترانه‌های محلی است که بیشتر در هیأت ادبیات غنایی نمود یافته است و بی‌پیرایگی و سادگی و بازتاب فرهنگ و آداب و رسوم کهن این مرزوبوم، در این اشعار موج می‌زند. سرایندگان خوش ذوق به خاطر کوهستانی بودن این منطقه، طبیعت بکر، انواع گیاهان خوشبو، برف گیر بودن مناطق سردسیری، پرندهای خوش‌آواز، شکار فراوان، چشمه‌سارهای خروشان و ... ترانه‌های زیبایی در وصف طبیعت و وصف ایام و اوقات، را خلق کرده‌اند که تمامی طبیعت جذاب و چشم‌نواز این استان را به تصویر کشیده‌اند؛ از توصیف شکار و شکارچی، از نغمه‌خوانی کبک و بلبل، از همانندی زلف یار به چویل‌های مناطق ییلاقی و ...

از این رو، با توجه به رشد روزافزون تکنولوژی و اضمحلال فرهنگ عامه، بسیار ضروری و بایسته می‌نماید که پیش از آنکه این مواریث فرهنگی و اشعار ناب، در پرده‌ی خمول رو به فراموشی گذارند، نسبت به گردآوری و ضبط و تحلیل این اشعار، اقدامی شایسته صورت گیرد.

از همین روست که نگارنده در این نوشتار کوشیده است که با روشی میدانی، به گردآوری و ضبط، آوانگاری و سپس تحلیل اشعار غنایی استان کهگیلویه و بویراحمد بپردازد.

در این جستار پس از مقدمه، پیشینه و روش تحقیق، به تحلیل ترانه‌های غنایی وصف طبیعت (وصف درختان، گیاهان و گل‌ها، وصف مناظر طبیعی، وصف جانوران)، وصف ایام و اوقات (شب‌نشینی، کوچ ایل و زندگی عشایری) در ادبیات غنایی، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: کهگیلویه و بویراحمد، وصف طبیعت، باورهای دینی، ایام و اوقات

۱- مقدمه

فرهنگ شفاهی ایران زمین از فرهنگ‌های اقوام و گروه‌های اجتماعی آن تشکیل شده است؛ این فرهنگ غنی و ماندگار برای انسان از زادن تا مردن حرف دارد. غم‌ها، شادی‌ها، آرزوها و آرمان‌های او را در برمی‌گیرد.

«فرهنگ مردم، فولکلور (Folklore)، یکی از نخستین جلوه‌های زندگی بشری است که نه آفرینندگان نامی از خود به جا گذاشته‌اند و نه تاریخی روشن دارد. این فرهنگ گاهی آن‌چنان دور می‌رود که هزاران سال را پشت سر می‌گذارد و گاه دیر سالی آن به سده‌ای هم نمی‌رسد. درواقع این فرهنگ، بازتاب گسترده‌ای از

زندگی مادی و معنوی انسان‌ها است و به همین دلیل یکی از ارزشمندترین نهادها برای بررسی گذشته و شناخت روش‌های زندگی به شمار می‌رود و می‌توان عواطف و باورها و به‌طور کلی روح زندگی گذشتگان را از طریق آن بازشناخت؛ فرهنگی که ساخته توده‌ی مردم است و در حقیقت بازتاب روشنی از اندیشه‌ها و سنت‌های آنان است که گذشته را به امروز پیوند می‌دهد [۱].

۱. محمد مهدی محمدی و زهره قایینی، **تاریخ ادبیات کودکان ایران: ادبیات شفاهی و دوران باستان (تهران: چپستان، ۱۳۸۲)**، ص. ۱۰.

ادبیات عامه «به مجموعه ترانه‌ها، قصه‌ها، اساطیر و ضرب‌المثل‌های رایج میان یک قوم اطلاق می‌شود که به‌طور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و موضوعات آن برگرفته از فرهنگ قومی است.» [۲].

رابطه بین روحیه، اخلاق، رخ دادها و فراز و نشیب‌های یک ملت در ادب عامه (فولکلور) او نمود و جلوه پیدا می‌کند. هر ادبیات و فرهنگی دارای ویژگی‌هایی است که برخی با دوره‌های دیگر مشترک و برخی مختص همان دوره‌اند.

نزدیکی ادب عامه و رسمی، رواج اندیشه‌ها و افکار قومی، برجسته شدن حوادث و رخداد‌های فرهنگی-تاریخی در ادب عامه، ترویج اندیشه‌های مذهبی و باورهای دینی، ترویج آرمان‌های اجتماعی- فرهنگی، ترویج مسائل سیاسی و دولتی در ادب عامه، روی آوردن به عناصر و اجزای فرهنگ خودی با مظاهر نو و فناوری، واقع‌گرا شدن و ایده‌گرایی فرهنگ و ادب عامه، تجلی روابط و آثار بیگانگان در ادب قومی، فرهنگ پذیری و تنوع‌گرایی از خصوصیت‌های ادب عامه می‌باشند.

از آنجایی که فرهنگ مردم، بخش مهم و جدایی‌ناپذیری از قلمرو و گستره‌ی فرهنگ هر قوم و ملتی به شمار می‌رود، عنایت به جلوه‌های گوناگون و متنوع آن در شرایط مدرن امروزی که سنت‌های دیرین گذشته روزه‌روز کمرنگ و یا فراموش می‌شوند، بسیار حائز اهمیت است. این اشعار برخاسته از ذهن و زبان توده‌ها و عمق نهادهای اجتماعی و مردمی هستند و لزوماً بر اساس زمان یا حادثه‌ای به وقوع نپیوسته‌اند.

«یکی از جلوه‌های اصلی فرهنگ مردم، ترانه‌ها هستند؛ ترانه‌هایی که از دل‌انگیزترین و پراحساس‌ترین گونه‌های ادبیات شفاهی به شمار رفته و با بیان زیباترین و دل‌نوازترین عواطف انسانی و به میان کشیدن بهترین مضامین زندگی، انعکاسی از روحيات و